خبرها

«بچه‌های هور» در شبکه تهران

قرار است سریال «بچه‌های هور» به کارگردانی عبدالله باکیده از شبکه تهران پخش شود. این سریال که در حال حاضر، آخرین مراحل فنی را پشت‌سر می گذارد به تهیه‌کنندگی تخت‌کشیان است و بیژن میرباقری به عنوان سازنده تیتراژ آن است. به گزارش شرق داوود رشیدی، حمیرا ریاضی، افسون اشاره، مینا نوروزی، مریم صباغیان، فریده دریامج و حامد کلاهداری بازیگرانی هستند که در مجموعه بچه‌های هور نقش‌آفرینی کرده‌اند.

مستند فرهنگ عامه

مجموعه مستند فرهنگ عامه، مشتمل بر ۹ برنامه با میانگین ۳۰ دقیقه در سیمای شبکه اول در گروه فرهنگ، تاریخ و هنر تولید شده است. تاکنون ۶ برنامه از این سری از شبکه اول سیما پخش شده و سه قسمت دیگر آن در انتظار پخش است. چهاردهمی، چکچکو، کرچی، از آب تا گلاب، در انتظار فطر، آذر و گل، شیشه و گل، پس از تولد و طلای سرخ عناوین این مستندها است که هر کدام بخشی از فرهنگ عامه سرزمین ایران را به تصویر می‌کشند. محمود مقدس جعفری تهیه‌کننده و کارگردان این برنامه درباره ساختار این برنامه‌ها به شرق می‌گوید: ساختار این برنامه‌ها روایتی- داستانی است که حول محور موضوعی خاص، با ویژگی فرهنگی- تاریخی شکل گرفته است و متکی بر آداب و سنن و رفتارهای قومی و محلی است. راویان و بازیگران این مجموعه همگی از بومیان محلی هستند و گاه استفاده از لباس، موسیقی، معماری و لهجه محلی در شناخت بیشتر مردم کارآمد شده. به گزارش شرق این مجموعه از ابتدای سال ۱۳۸۰ آغاز شده و در ماه‌های پایانی سال ۸۴ به پایان رسیده.

شبکه دو پربیننده‌ترین شبکه

بر اساس نظرسنجی‌های صورت گرفته از مردم تهران، شبکه دو سیما از لحاظ پخش فیلم‌های سینمایی به عنوان پربیننده‌ترین شبکه انتخاب شده است. بنا بر نتایج نظرسنجی انجام گرفته از مردم تهران درباره فیلم‌های سینمایی پخش شده از تلویزیون در هفته دوم تیرماه ۸۵، شبکه دو نسبت به سایر شبکه‌ها بیشترین بیننده را به خود اختصاص داده است که دلیل این موفقیت پخش فیلم‌هایی چون «لوک خوش شانس»، «عزت‌دار»، «توپ طلایی» و «مسیر سبز» است که به ترتیب رتبه‌های اول تا چهارم را از نظر درصد جذب مخاطبان به خود اختصاص داده‌اند. بر این اساس فیلم «زندان» با جلب رضایت ۹۹ درصد رتبه اول را در خصوص میزان رضایت بینندگان داشته است. این شبکه هر شب از طریق جشنواره فیلم‌های تابستانی فیلم‌هایی از کشورهای مختلف را روی آنتن می‌برد که به این واسطه مخاطبان بیشتری را به خود جلب کرده است.

فخیم‌زاده بیصدا را ادامه می‌دهد

تولید مجموعه تلویزیونی «بیصدا» به نویسندگی و کارگردانی مهدی فخیم‌زاده که مدتی پیش در مرحله تصویربرداری متوقف شده بود، دوباره از سر گرفته شد. فخیم‌زاده در گفت‌وگو با خبرگزاری «مهر» ضمن اعلام این خبر گفت: «مرحله تصویربرداری از هفته قبل دوباره از سر گرفته شده و تاکنون حدود ۲۰ درصد از این مرحله سپری شده است. بر اساس برنامه‌ریزی تصویربرداری تا اوایل پائیز به طول می‌انجامد.» مجموعه تلویزیونی «بیصدا» با مضمونی پلیسی، یک طنز موقعیت است که به مسئله رواج قرص‌های اکس و روانگردان بین جوانان می‌پردازد. داستان سریال درباره پخش قرص‌های اکس در شهر است که هر کدام از این قرص‌ها ظرف چند ساعت فرد را از پای درمی‌آورد. سارا خوئینی‌ها، فریبا کوثری، محمد صادقی، لیلا برخورداری، کامران تفتی، انوشیروان فاطمی، لیدا کریمی و خود فخیم‌زاده بازیگران اصلی مجموعه هستند. این مجموعه به سفارش گروه فیلم و سریال شبکه دو سیما تولید می‌شود.

احمدجو دربار ناصرالدین‌شاه را می‌سازد

امرالله احمدجو در نظر دارد مجموعه‌ای تلویزیونی با عنوان اولیه «دربار ناصرالدین‌شاه» را مقابل دوربین ببرد. این نویسنده و کارگردان تلویزیون درباره فعالیت‌های جدید خود به خبرنگار «مهر» گفت: «در چند سال اخیر مشغول تحقیق درباره شرایط حکومت و درباریان و نزدیکان دوره ناصرالدین‌شاه هستم و طی این پژوهش‌ها شرایط آن زمان را از جنبه‌های مختلف بررسی کردم. داستان مجموعه هم به مسئله درهم‌ریختگی و شرایط نابسامان دربار ناصرالدین‌شاه و اتفاقات دربار می‌پردازد.» این فیلمنامه‌نویس درباره ویژگی‌های ساختاری «دربار ناصرالدین‌شاه» توضیح داد: «داستان این مجموعه تلویزیونی به گونه‌ای است که من ترجیح می‌دهم به صورت شبانه و مستمر پخش شود. داستان طنزآمیز است و نیازمند تدارکات زیادی نیست. اگر توافق نهایی برای ساخت صورت بگیرد و کارگردانی آن به من سپرده شود، تولید اثر برخلاف آثار قبلی نیاز به هزینه زیادی ندارد.»

گفت وگو با مهدی پاکدل، بازیگر مجموعه اولین شب آرامش

مثل هیچ‌کس بودن

مهدی عزیزی

عکس: مسعود پاکدل

اولین بار که با نامش برخورد کردم، در راهروی سالن چهار سوی مجموعه تئاتر شهر بود. برای تماشای نمایش «قهوه تلخ» شبنم طلوعی در صف طویل جشنواره بیست و یکم فجر، بروشور نمایش را مطالعه می کردم. فکر کردم حتماً این اسم نسبتی با حسین پاکدل دارد. حتماً فرزند او است. یک سال پس از آن در جشنواره بعدی با هم آشنا شدیم. مهدی پاکدل جوان بااستعداد، توانا و باهوشی است. او از هر دری وارد شده تا بتواند به قله آرزوهایش دست یابد و خواسته‌اش نیز به زودی به ثمر خواهد نشست. حضورش در نمایش‌های ریچارد سوم، بی شیر و شکر، امپراتریس ویرانه‌ها، دیر راهبان، قهوه تلخ، سیاها و... را نمی توان فراموش کرد. مهدی پاکدل که طراح و گرافیست خوبی هم هست پس از کسب تجربه‌های مفید و ارزنده و از همه مهم‌تر درک درست خود و اشخاصی چون حامد محمدطاهری، شبنم طلوعی، حمید امجد و با مشاوره برادر بزرگترش حسین پاکدل آرام آرام بی هیچ شتابزدگی و هیجان کاذبی به مسیر خود ادامه داد و کار کرد و کار کرد و کار کرد. حضور کوتاه‌مدتش در «ماهی‌ها عاشق می‌شوند» و بعد نقش زیادش در مجموعه تلویزیونی «مروارید سرخ» باعث شد تا امروز به خاطر بازی خوبش و بازی‌خوانی بهتر احمد امینی، علیرضای مجموعه تلویزیونی «اولین شب آرامش» را به سرزبان‌ها انداخته است. این گفت‌وگو تمام حرف‌های ما نیست، درباره ضعف‌ها، کاستی‌ها و کم‌تجربگی‌های مهدی پاکدل نیست، اما بخش مهمی از حرف‌های او درباره «اولین شب آرامش» است.

■با آنکه تو از تئاتر به سینما راه پیدا کردی و کارهایی هم که بازی کردی از ارزش و مخاطب گسترده‌ای برخوردار است اما به نظر می‌رسد، «اولین شب آرامش» احمد امینی متفاوت از باقی باشد، شاید در آینده این تفاوت را خودت هم احساس کنی.

اگر می‌توانی بیشتر توضیح بده.

■چه چیزی به اعتقاد تو این کار را با بقیه متفاوت می‌کند؟... در مورد خودت؟

دلیل اصلی این تفاوت در کارگردانی مجموعه و تعدد سکانس‌هایی است که بازی دارم، بالطبع تا حدودی بیشتر دیده می‌شوم و در یادها می‌مانم. البته در «مروارید سرخ» هم که از شبکه تهران پخش شد نقش اصلی را داشتم. ولی به هر حال هر کاری شرایط خاص خودش را دارد.

■فکر می‌کنم تفاوت نقش‌ها و نوع بازی‌ات قدری در این تفاوت دخیل باشد؟

این موضوع بی‌ارتباط با نقشی که قرار است بازی شود نیست، در واقع وقتی فیلمنامه را می‌خوانی و به نقش فکر می‌کنی با خودت می‌گویی این نقش چقدر به من نزدیک است چقدر می‌توانم مثل او باشم؟ چه ری‌اکشن‌هایی باید بروز بدهیم؟ من معتقدم در تئاتر خیلی از بازیگران بهتر از من هستند در زیرزمین‌های تئاتر شهر بازیگرهای خلاق فراوانی را می‌توانی ببینی که بعضی‌هایشان بارها می‌توانند بهتر از ستاره‌های سینما و تلویزیون باشند اما شرایطی برایشان پیش نیامده که بتوانند در این حوزه کار کنند. حالا این تقصیر خودشان یا محیط است نمی‌دانم. بهرام عظیم‌پور که خود از دل تئاتر آمده، انتخاب بازیگر این سریال را بر عهده داشت و با دقت و پافشاری زیاد اعتقاد داشت من و امیر آقایی باید این دو نقش را بازی کنیم. جالب است که وقتی احمد امینی- بی‌آنکه مرا دیده باشد یا شناخته باشد- اولین‌بار که مرا دید گفت خب این خود علیرضا است.

■این مجموعه تلویزیونی شاید صاحب همان «آنی» باشد که یک مجموعه منظم درصدد دست یافتن به آن است. رسیدن به این «آن» مستلزم قرار گرفتن تمامی اجزای پازلی است که مجموعه را می‌سازد.

دقیقاً در واقع اتفاقی که شاید در هشتاد سکانسی که بازی داری برایت نمی‌افتد اما به یک‌باره طی دو سکانس همه چیز به خوبی پیش می‌رود و نتیجه دلخواه به دست می‌آید و در کل مجموعه دارای آن آنی که تو می‌گویی می‌شود. در یک اثر وقتی تمامی کسانی که قرار است در آن مجموعه کار کنند با انگیزه انرژی لازم را صرف کنند، چه آن اثر به نمایش دربیاید و یا حتی مهجور واقع شود، نتیجه آن انرژی صرف شده جایی به ثمر می‌نشیند و بارور می‌شود. در جامعه هنری متاسفانه آدم‌ها از جایگاهی که در آن قرار دارند راضی نیستند و دوست دارند مدام جا عوض کنند، از کوچک‌ترین و بزرگترین شخصی که می‌خواهد در مجموعه‌ای فعالیت کند و در خلق اثری مفید و موثر باشد هم تلاش می‌کنند و یا حسرت مقام بالاتری را دارند، یعنی گروه فنی می‌خواهد مثلاً فیلمبردار باشد، دستیار کارگردان می‌خواهد کارگردان باشد و خلاصه به این ترتیب می‌خواهند دیگری باشند به جای آنکه در حرفه خود درجه یک باشند. اما خوشبختانه در این گروه همدلی بسیار زیادی به چشم می‌خورد که همه آدم‌ها عاشق کار و حرفه‌ای بودند که انجام می‌دادند و انصافاً هم کارشان را به درستی پیش می‌بردند و به این ترتیب به قول تو قسمت‌های مختلف پازل به هم متصل می‌شد و مجموعه را می‌ساخت.

■درست بیست سال پیش چهره‌ای در تلویزیون ایران ظهور می‌کند و یک‌باره به یکی از طراز اول‌ترین مجریان رسانه ملی بدل می‌شود. چهره‌ای که به مثابه داشتن صدا و سیمای خوش و دلنشین هم برای نسل ما و هم برای نسل پیش از ما فراموش‌نشدنی است و حالا پس از بیست سال چهره‌ای دیگر با تقریباً همان شرایط اما از نسل امروز و به عنوان بازیگر می‌خواهم بدانم «حسین پاکدل» که شاید خیلی صراحت و بینش او را می‌ستایند، چه جایگاهی در کنار تو داشت.

من در خانواده‌ای رشد کردم که در اطرافم پر از کتاب‌هایی بود که به برادر بزرگترم تعلق داشت. از پنج سالگی خواندن و نوشتن را یاد گرفتم تا بتوانم مطالعه کنم. در دوران نوجوانی من، برادرم دبیر جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان بود. با دیدن ستاره‌های سرشناسی که به اصفهان می‌آمدند از خود بی‌خود می‌شدم، دوست داشتم من هم سوار بر این موجی که آنها با خود دارند شوم و در آینده حرفی برای گفتن داشته باشم. این باعث شد تصمیم بگیرم تا در رشته‌ای نزدیک به سینما تحصیل کنم اما آن موقع اصفهان تنها رشته گرافیک داشت و من هم به همین خاطر وارد هنرستان گرافیک شدم. طبیعتاً به رشته تجسمی علاقه‌مند شدم بعد فکر می‌کردم خب من در این رشته فعالیت می‌کنم و دنیایم از دنیای دو برادر دیگرم که در حوزه‌های سینما و تئاتر و تلویزیون فعالند جدا است. تا اینکه در دانشگاه پذیرفته شدم و به تهران آمدم، این اتفاق با مدیریت برادرم (حسین پاکدل) در تئاتر شهر همراه شد. همان موقع وقتی این ساختمان دوار چهارراه ولی‌عصر (عج) را می‌دیدم برایم جالب بود که بدانم آنجا چه اتفاقی در حال رخ دادن است. تا اینکه به تماشای نمایش جذاب «عشق‌آباد» داوود میرباقری رفتم... این اثر به تئاتر علاقه‌مندم کرد و شدم تماشاگر بی‌وقفه تئاتر. کم‌کم ذهنیتم به تئاتر تغییر کرد و پس از چندی به گروه سیروس شاملو راه پیدا کردم و نزد او آموزش پانتومیم و بازیگری دیدم. این سبب شد تا مسیر زندگی‌ام دستخوش تحول و تغییراتی شود. البته همان موقع برادرم حتی با آمد و شد بی‌برنامه من به تئاتر شهر مخالف بود و بعضی اوقات هم که می‌دید من در تئاتر شهر بیکار نشسته‌ام با من برخورد هم می‌کرد که چرا دانشگاه نمی‌روم؟ دوره‌ای هم بچه‌هایی که با آنها کار می‌کردم نگران بودند که به خاطر حضور من به دلیل کم‌تجربگی‌ام، آقای پاکدل کارمان را رد کند. او رئیس تئاتر شهر بود و من بازیگری بی‌تجربه و شب‌ها در خانه برادر و معلم‌ام، با دلسوزی بسیار. بیشتر راهنمایی‌ام می‌کرد که چه کتابی مطالعه کنم تا بتوانم هنر نمایش و دنیای معاصرم را درک کنم. این راهنمایی او سبب شد در کنار آموختنم در تئاتر بمانم و خوشحالم که در این مسیر با شخصیت‌های درجه اول تئاتر کشور آشنا شدم و کار کردم.

■کدام یک از تئاترهایی که بازی کرده‌ای در ادامه راهت موثر بوده‌اند؟

بیش از همه تمرین‌های سخت و نفس‌گیر یک‌ساله در نمایش «سیاها» به کارگردانی حامد محمدطاهری تاثیر عجیبی بر زندگی من گذاشت. چون حامد شخصیت خاصی بود و از نظر من یک نابغه بود. مهندسی برق خوانده بود اما علاقه‌اش به تئاتر مسیرش را تغییر داد. تمرین‌های خاص او مثل روخوانی کتاب‌ها و نمایشنامه‌های مختلف بر شعور هنری من تاثیر گذاشت و بر این شعور جهت داد. محمدطاهری کتاب خواندن حرفه‌ای را به من آموخت، اینکه باید هدف‌دار مطالعه کرد. در این مدت یک‌سال و نیم تمرین و شش ماه اجرا من خیلی چیز یاد گرفتم، دوستی و تئاتر را درک کردم و بزرگ شدم. خیلی‌ها به تاثیر گذار بودن ابعاد مختلف این نمایش در دهه گذشته واقف‌اند.

■به مسئله‌ای که اشاره کرده‌ای یعنی بازیگرانی وجود دارند که شایسته حضور در سینماها و تلویزیون هستند بی‌ارتباط با بازی‌های اغراق شده تئاتر و در پسامد آن خدشه‌دار شدن ذهنیت انتخاب کنندگان نباشد.

شاید این اغراق‌آمیز بودن بازی‌ها به تفاوت نسل‌ها هم بازگردد. اما دوره ما کمی متفاوت است. سالن‌ها کوچک‌تر شده و ارتباط تئاتر با بازیگر بیشتر و نزدیک‌تر شده است. تاثیر کلام و نگاه تماشاگر خود عاملی بازدارنده برای بروز اغراق در بازی بازیگر است. در سالن‌های کوچک باید راحت بازی کرد اما در سالن بزرگ مثل سالن اصلی بازی درشت‌تری می‌طلبد تا تماشاگر با آن ارتباط برقرار کند. من در نمایش‌هایی که بازی داشتم سعی کردم خودم باشم و اصرار به بازی کردن غلوآمیز شخصیت نکنم.

■من سیاها را ندیدم اما «قهوه تلخ» را دیده‌ام احساس می‌کنم این شخصیت میثم که تو در آن نمایش بازی می‌کردی به دلیل ما به ازای بیرونی که دارد با مخاطب تعامل بیشتری برقرار می‌کند. با آنکه هر شخصیت و کاراکتری جهان‌بینی و تعریف خودش را دارد و از طرفی می‌دانم احمد امینی با چه فضای ذهنی و جامعه‌شناسی با شخصیت‌های متعددی که قرار است بسازد برخورد می‌کند. اما فکر نمی‌کنی ارتباطی میان میثم «قهوه تلخ» و علیرضای «اولین شب آرامش» وجود داشته باشد؟

پرسش جالبی مطرح کردی تا حالا درباره‌اش فکر نکرده بودم که چقدر این دو شبیه هم‌اند، نه به لحاظ شخصیت بلکه از این منظر که بی‌شباهت با خود من نیستند. این باعث می‌شود که بعدها در بازی‌هایم بازنگری کنم و نقش‌هایی که در «بی‌شیر و شکر» و یا «مروارید سرخ» بازی کردم را بهتر درک کنم. اما این آدم‌ها به قول تو ما به ازای بیرونی دارند، در محیط کار، اجتماع و خانواده با اینها خیلی روبه‌رو شده‌ام و این باعث می‌شود آن را بهتر درک کنم و به نقش عینیت ببخشم. مثلاً میثم این طوری بود و علیرضا هم تقریباً همین طور است. اینها در فصل مشترکی از آن لاک سربه‌زیری و آرامش خود خارج می‌شود و طغیان می‌کند. این منطق اشتراک میان این دو شخصیت به اشتراکی کلی‌تر از جوان‌های جامعه برمی‌گردد که شرایط اجتماعی به طغیان‌های روحی و درونی و گاهی طغیان‌های برون‌ریز آن دامن می‌زند.

■رسالت تلویزیون آموزش و آگاهی جامعه است و از همین روست که سیاستگزاران و برنامه‌ریزان در کنار توجه به سرگرم کردن مردم به تولید وسیع برنامه‌های تلویزیونی مبادرت می‌ورزند. اما به اعتقاد من تاثیرگذاری سریال‌های تلویزیونی مطلوب نیست.

البته من در جایگاهی نیستم که به این سئوال پاسخ دهم. این موضوع را باید از سیاستگزارانی که به برنامه‌های تلویزیونی جهت می‌دهند پرسید. در اهمیت تاثیر برنامه‌های تلویزیونی بر جامعه شکی نیست به هر حال هر کس به اقتضای شرایط و موقعیت خود در اجتماع با شخصیت‌های مختلف ارتباط برقرار می‌کند و با آنها همذات‌پنداری می‌کند. قطعاً این ارتباط میان رسانه و مردم دوطرفه است و هر کسی با هر دیدگاهی با آن ارتباط برقرار می‌کند و تاثیرش را می‌گیرد.

■این را می‌پذیریم که علیرضای «اولین شب آرامش» ما به ازای بیرونی دارد اما بازیگر هم که به آن روح و جان می‌دهد شرایطی را برای آفریدن نقش مهیا می‌کند. تو برای «علیرضا» بودن چه کردی؟

از همان ابتدا که فیلمنامه را خواندم علیرضا برایم ناآشنا و غریب نبود. کارهای عجیب و غریب هم نمی‌کرد که مجبور باشم برای پیدا کردنش تحقیقات، به قول آمارگیرها، میدانی کنم. شخصیت علیرضا به گونه‌ای بود که در اطرافم و در اجتماع بسیار با آن برخورد داشته‌ام. تلاش کردم خودم را جای او بگذارم تا بتوانم علیرضا را در خودم کشف کنم. مثلاً فکر می‌کردم اگر روز عقد ازدواج به من بگویند نه! چه حالی می‌شوم. قطعاً بهت‌زده می‌شدم و سعی می‌کردم عکس‌العمل‌های طبیعی که در زندگی هر کس بروز می‌کند را پیدا کنم. قطعاً با این نه شنیدن علیرضا تا مدتی مبهوت است و دنبال پاسخ چرا است. علیرضایی که من می‌شناسم هرگز قمه به دست نمی‌گیرد برود خون و خونریزی راه بیندازد.

■علیرضا تا جاهایی از سریال کارهایش کاملاً عادی و شبیه همه جوان‌های هم سن و سال خودش هم هست. اما بعد به قول خودت طغیان می‌کند. برای اینکه این استحاله و طغیان را خوب نشان دهی چه کردی؟

طغیان کردن اتفاقی است که برای همه جوان‌ها افتاده است. هر کس به نسبت شرایط خانوادگی و اجتماعی که دارد، وقتی می‌خواهد کاری غیر از آن شرایط موجود انجام دهد و اصولی را برای خودش طراحی کند در واقع طغیان کرده است. این مسئله در مورد علیرضا هم صدق می‌کند. او هم به تناسب خانواده کوچکش (خودش و مادرش) و با توجه به اینکه تا حالا پسر بسیار مطیعی بوده و در آن دفتر وکالت ترجمه می‌کرده حالا می‌خواهد که روی پای خودش بایستد و شرایط را تغییر بدهد. به نظر من همین طغیان است چون همه را نگران می‌کند. علیرضا شخصیت منوتونی نیست و می‌خواهد اتفاقات را درک کند. ویژگی این فیلمنامه این است که شخصیت‌ها در این داستان متحول می‌شوند و نتیجه کارهایشان را هم می‌بینند.

■احمد امینی به عنوان کارگردان چه تاثیری در خلق این شخصیت داشت و در واقع چگونگی تاثیرگذاری‌اش را می‌خواهم بدانم.

این مسائل در هم تنیده شده است، اینقدر این ارتباط مهم است که توضیح‌اش تا حدودی مشکل است. من معمولاً فیلمنامه را در خانه می‌خواندم و روز بعد که می‌رفتم سر صحنه حس‌ها و حالت‌های مختلفی را که برای بیان آن مطلب به دست آورده بودم به آقای امینی می‌گفتم ایشان هم کاملاً گوش می‌کردند اما معمولاً در آخر یک ایده متفاوت با طرح‌های من را رو می‌کردند. چون ایده‌هایشان قانع‌کننده بود می‌پذیرفتم، البته گاهی نیز پیش می‌آمد که من با اجازه‌شان نوع اجرا را تغییر می‌دادم. به هر حال ایشان کارگردان بودند و به تمامی بخش‌ها اشراف داشتند و می‌دانستند که اهمیت هر سکانس در کل مجموعه ۲۶ قسمتی چقدر است. فضای کاملاً دوستانه‌ای در این کار وجود داشت که جوانی مثل من که اختلاف سنی زیادی با کارگردان دارد، می‌توانست اظهارنظر کند. به خصوص اینکه من نقشی داشتم که هم‌سن خودم بود و در نتیجه کاملاً کارهایش را درک می‌کردم و خوشبختانه امکان اینکه این نکات را به کارگردان بگویم وجود داشت. همه این عوامل کمک می‌کرد تا این شخصیت در داستان درست پیش برود.

■باتوجه به اینکه تجربه تدوین هم داری، می‌دانی که پس از فیلمبرداری چه اتفاقی می‌افتد و این در کار یک بازیگر بسیار مفید است در واقع تدوین تفاوت بازیگری تئاتر و سینما را آشکار می‌کند. فکر نمی‌کنی این آشنایی کار را آسان‌تر می‌کند؟

به نظر من هر بازیگری باید تدوین را بشناسد چون برای نوع بازی‌اش و حتی تداوم حس‌اش بسیار خوب است. آقای امینی یک ویژگی بسیار خوب دارند و آن این است که هر روز دکوپاژ همه سکانس‌های آن روز را در اختیار عوامل قرار می‌دهند و این بسیار جالب است و به بازیگر کمک می‌کند تا بداند در هر پلان چگونه بازی کند که تاثیر بیشتری خواهد داشت. شناخت من از تدوین باعث می‌شد تا ارزش هر پلان را متوجه شوم و خیلی وقت‌ها در مورد این مسائل با امیر آقایی صحبت می‌کردیم تا بتوانیم نتیجه بهتری بگیریم.

■به خصوص این مطلب در مورد بازیگران تئاتر بسیار تاثیرگذار است. مشکل بسیاری از بازیگران ما که از تئاتر به سینما آمده‌اند همین مسئله است که تدوین را نمی‌شناسند و تاثیر این تغییرات را نمی‌دانند.

این مسئله در تداوم حس بازیگر هم تاثیرگذار است. من فکر می‌کنم بازیگری که باهوش باشد و بتواند در تئاتر خوب بازی کند، پس می‌تواند نوع بازی در تئاتر و سینما را از هم تفکیک کند و بازی خوبی ارائه دهد. همان‌طور که بیشتر بازیگران خوب قدیمی سینما، که الان به وجود مبارکشان افتخار می‌کنیم همه از تئاتر شروع کرده‌اند و در تئاتر هم بازیگران بسیار خوبی هم بوده‌اند.

■اما الزاماً بازیگرانی که از سینما به تئاتر آمده‌اند در تئاتر موفق نبوده‌اند؟

به دلیل اینکه تئاتر دنیای گسترده‌تری به نسبت سینما و تلویزیون دارد. زمانی که بازیگر از تئاتر به سینما و تلویزیون می‌آید باید بسیار خود را جمع و جور کند و مثلاً تمام حواسش را به اجزای صورتش متمرکز کند، در صورتی که در تئاتر همه قسمت‌های بدن بازیگر اهمیت دارد و بازیگر باید به همه آنها توجه کند. چون در سینما و تلویزیون کادر تصویر انتخاب می‌کند که من تمرکزم روی کدام قسمت‌ها باشد، اما در تئاتر این بازیگر به اتفاق تماشاگر است که انتخاب می‌کنند شخصیت مرا در لانگ‌شات ببینند یا در کلوزآپ. و این برای بازیگری که از تلویزیون به تئاتر بیاید بسیار دشوار است.

■گفتی که از دوران کودکی با کتاب و کتابخوانی آشنا شدی حالا چگونه مطالعه می‌کنی؛ مطالعات هدف‌دار است ویا...

در این دوره که مشغول کار بوده‌ام دیگر نمی‌توانم مثل قبل، زمانی که تئاتر کار می‌کردم هدف‌دار و برنامه‌ریزی شده مطالعه کنم، اما قطعاً مطالعه جزء برنامه‌ام است که البته الان بیشتر به خواندن داستان‌های کوتاه ختم می‌شود.

■فیلم دیدن تا چه اندازه برایت اهمیت دارد و بیشتر آثار چه کسانی را دنبال می‌کنی؟

زیاد فیلم می‌بینم. اما به دلیل اینکه دنیای رسانه و سینما بسیار گسترده است نمی‌توانم بگویم فقط کارهای اشخاص خاصی را دنبال می‌کنم. گاهی فیلمی می‌بینم که یک بازیگر ناشناس در آن بازی می‌کند ولی آنقدر خوب است که می‌تواند تاثیر بسیاری بر من بگذارد تاثیری در حد یک بازیگر معروف مثل آل‌پاچینو. اما از بازیگرانی که بسیار دوست دارم و کارهایشان را دنبال می‌کنم جانی دپ است به دلیل اینکه حق خود را از یک فریم کار هم می‌گیرد و در هر یک فریم به تمامی کارش را ارائه می‌دهد. براد پیت و تام کروز نیز همین‌طور، در میان بازیگران خودمان رضا کیانیان فوق‌العاده است.

■فیلم دیدن چقدر بر بازی‌ات تاثیر می‌گذارد؟

قطعاً به غیر از اینکه از فیلم دیدن لذت می‌برم، هر فیلمی که می‌بینم یک درس جدید می‌گیرم. من سینما را دوست دارم و چون دوست دارم در به وجود آوردن یک کار نقش داشته باشم سعی می‌کنم از دیدن یک فیلم تجربه کسب کنم.

■آینده را چگونه می‌بینی، دوست داری بازیگر بمانی و یا کارگردانی کنی؟

من به طور کل سینما را دوست دارم و فعلاً بازیگری راضی‌ام می‌کند و تا آنجایی که فکر کنم بازیگری را خوب انجام می‌دهم این کار را می‌کنم، البته فیلمسازی را بسیار دوست دارم اما می‌خواهم زمانی به سراغ آن هم بروم که حرفی برای گفتن داشته باشم.

■مسلماً نمی‌خواهی با کار زیاد در تلویزیون تکرار شوی؟

قطعاً همین‌طور است ولی به نظر من یک بازیگر باید در وهله اول زندگی کند تا بتواند بازی کند. ضمن اینکه زیاد کار کردن و کار زیاد کردن در تلویزیون همه برمی‌گردد به کیفیت کاری که انجام می‌شود. اما به هر صورت تلویزیون همیشه سکوی پرتاب بسیار خوب و شریفی برای آنهایی بوده که صاحب استعداد بوده‌اند. از این لحاظ سینما مدیون تلویزیون است. بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم بازیگرانی که در سریال‌های نود قسمتی بازی می‌کنند چه انرژی از آنها گرفته می‌شود. طبعاً مهدی پاکدل هم پس از سه مجموعه تلویزیونی؛ باید کمی استراحت کند، فیلم ببیند، تئاتر کار کند، سفر برود، مطالعه کند و انرژی‌اش را برای کار بعد ذخیره کند. حالا کار در تلویزیون، سینما یا تئاتر...

خلاصه گفت و گو

۱- بازیگری که باهوش باشد و بتواند در تئاتر خوب بازی کند، پس می‌تواند نوع بازی در تئاتر و سینما را از هم تفکیک کند و بازی خوبی ارائه دهد. همان‌طور که بیشتر بازیگران خوب قدیمی سینما، که الان به وجود مبارکشان افتخار می‌کنیم همه از تئاتر شروع کرده‌اند و در تئاتر هم بازیگران بسیار خوبی هم بوده‌اند.

۲- هر بازیگری باید تدوین را بشناسد چون برای نوع بازی‌اش و حتی تداوم حس‌اش بسیار خوب است. آقای امینی یک ویژگی بسیار خوب دارند و آن این است که هر روز دکوپاژ همه سکانس‌های آن روز را در اختیار عوامل قرار می‌دهند و این بسیار جالب است و به بازیگر کمک می‌کند تا بداند در هر پلان چگونه بازی کند که تاثیر بیشتری خواهد داشت.

تازه ها

عیاری و «روزگار قریب»

تصویربرداری سریال تلویزیونی «روزگار قریب» تا دو ماه دیگر خاتمه خواهد یافت و به‌زودی بینندگان سیما شاهد اثری نمایشی خواهند بود که در آن زندگی بنیانگذار طب نوین کودکان در ایران به تصویر کشیده شده است. زندگی دکتر محمد قریب بنیانگذار طب نوین کودکان در ایران همان مسئله‌ای است که از اسفند سال ۸۱ دغدغه مهم کیانوش عیاری و همکارانش برای ساخت یک سریال تلویزیونی شده است. عیاری روزگار قریب را بر اساس فیلمنامه‌ای از خود برای مرکز سیمافیلم تهیه و کارگردانی می‌کند. تولید این سریال از اواخر اسفند سال ۸۱ در روستای قلعه‌بلند در حوالی شهرستان ورامین آغاز شد. وقایع این سریال در حد فاصل سال‌های ۱۲۹۵ تا ۱۳۵۳ از زمان تولد دکتر قریب تا مرگ وی اتفاق می‌افتد. سریال شامل بخش‌های مختلف زندگی محمد قریب است. مهاجرت وی و خانواده‌اش از اراک به تهران، حضور او در کشور فرانسه برای ادامه‌تحصیل در رشته پزشکی و... وقایعی است که در فیلمنامه این سریال همزمان با رویدادهای تاریخ معاصر ایران روایت می‌شود. رویدادهایی همچون: کودتای رضاخان، قحطی تهران در زمان جنگ جهانی دوم، اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، واقعه ۳۰ تیر سال ۱۳۳۲ و... همین مسئله سبب شده که لوکیشن‌های مختلفی در طول چهار سال گذشته مقابل دوربین گروه سازنده این سریال برود. روستای قلعه‌بلند در حوالی ورامین، میمه اصفهان، شهر اصفهان، شهرک سینمایی غزالی، خانه‌های قدیمی تهران، بیمارستان بوعلی و... فضاهایی است که هر کدام مدتی میزبان دست‌اندرکاران این سریال نمایشی بوده‌اند.

گروه سازنده روزگار قریب این روزها در جاده امامزاده داوود در حال فیلمبرداری بخش‌های دیگری از این سریال هستند. داستان به آخرین مقطع سنی دکتر قریب رسیده است. در این مقطع سنی مهدی هاشمی «دکتر قریب» شده است. پیش از او پرهام کرمی در نقش کودکی، کاوه آهنگر در نقش نوجوانی، شهاب کسرایی در نقش جوانی و ناصر هاشمی بخش دیگری از مقطع جوانی دکتر را مقابل دوربین برده بودند. به گزارش خبرنگار ما در این مقطع از داستان فضاهای مختلفی در حوالی منطقه فرحزاد و جاده امامزاده داوود لوکیشن این سریال شده‌اند. ماجرایی که در این مقطع از سریال به تصویر کشیده می‌شود مربوط به زمانی است که یک مبارز سیاسی بعد از آن که در یک درگیری با ماموران رژیم شاه زخمی می‌شود، برای پنهان شدن به این منطقه می‌آید. حال او وخیم است. اگر فکری برای زخم پای او نشود این زخم به قانقاریا تبدیل می‌شود و او فوت می‌کند. دکتر قریب راه چاره را در قطع پای مرد قانقاریایی می‌داند اما این مسئله هم نتیجه نمی‌دهد و او فوت می‌کند. این قصه‌ای محوری است که در کنار آن چند ماجرای فرعی رخ می‌دهد. به گفته فرید سجادی حسینی دستیار کارگردان این پروژه برای نقش مرد قانقاریایی نیاز به بازیگری بود که یک پا نداشته باشد. به همین دلیل برای این نقش به سراغ جانبازی رفتند که پیش از این هم سابقه بازی داشته است. نام این فرد «فرشادآقایی» است که در زمان جنگ ایران و عراق یکی از پاهای خود را از دست داده و از این نظر با نقش شباهت فیزیکی دارد. سجادی درباره برنامه کاری بعدی گروه به خبرنگار ما می‌گوید: بیمارستان فیروزآبادی، چند خیابان در تهران که از لحاظ ظاهری شبیه سال‌های ۵۳ باشد، خانه دکتر محمد قریب و... لوکیشن‌های بعدی این سریال خواهد بود. فرهاد مهدوی، اعظم علی‌پور، مینا حسینی، علی ناصری و سلمان وکیلی بازیگرانی هستند که به‌تازگی به جمع بازیگران این سریال اضافه شده‌اند. پیش از این هم مهران رجبی، محمد برسوزیان، امیرحسین صدیق، فرحناز منافی ظاهر، صبا کمالی، حسین ایل‌بیگی، فریده دریامج، بهاره افشار، آفرین عیسی، رضا بابک، محمود بنفشه‌خواه و مرحوم حسین پناهی در این سریال ایفای نقش کرده‌اند.

خبر

یدالله صمدی با شهرآشوب

فیلمبرداری مرحله دوم مجموعه تلویزیونی شهر آشوب از شهریورماه آغاز می‌شود. علی غفاری مدیر تولید این مجموعه در گفت‌وگو با سایت خبری سیما فیلم با اعلام این خبر گفت: تهیه‌کننده مجموعه شهرآشوب و سیما فیلم مشترکاً به این نتیجه رسیدند که فیلمبرداری مجموعه از شهریور و با تأخیر آغاز شود که به همین دلیل کار به تعویق افتاد. در مدت باقیمانده هم کار ساخت دکور ادامه خواهد یافت. البته کار آماده‌سازی لباس بازیگران تمام شده و پس از آماده شدن دکورها به‌ویژه دکور رصدخانه کار را آغاز خواهیم کرد. غفاری در پاسخ به این سئوال که آیا تا